

بطوری که بعداً خواهیم دید يك حق نظارت در جریان رسیدگی بموجب ماده ۴ متمم قانون دادرسی ارتش مصوب اول بهمن ماه ۱۳۱۹ بر رئیس اداره دادرسی ارتش داده شده ولی این نظارت هم عملاً بعلت نقص قانون مزبور و عدم صراحت آن جلوگیری از سوء جریان های محتمله نمینماید.

ثالثاً - حق نظارتی که بموجب ماده ۵۷ اصلاح شده قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۶ دی ۱۳۱۵ بمدعی العموم استیناف (یا دادستان دادگاه تجدید نظر) هر حوزه استینافی نسبت بکلیه ضابطین دادگستری آن حوزه حتی باز پرسها داده شده در قانون دادرسی نظامی بدادستان های تجدید نظر داده نشده بدین جهت بین ضابطین نظامی حوزه های قضائی واحد های نظامی (جز در مرکز در اداره دادرسی ارتش) ارتباطی از لحاظ مراقبت و نظارت موجود نمیشود و اغلب در صورت بروز سهل - انگاری از طرف یکی از آنها بر فرض که دیگران هم در انجام وظیفه ساعی باشند موجب فلج شدن جریان امور قضائی می شود.

رابعاً - در صورت تخلف مأمورین قضائی از وظائف قضائی و وجدانی و صدور احکام خلاف قانون و سهل انگاری و تبعض و تشتت رویه ها و توسل به نیرنگ های قضائی برای جلوگیری از اعتراضات قانونی دادستانی ارتش هیچگونه وسیله تعقیب و مجازاتی برای تخلف کنندگان در قانون پیش بینی نشده مگر در موارد محدود و نادری که عمل متخلف مشمول یکی از مواد کیفری قانون دادرسی ارتش یا قانون مجازات عمومی واقع شود بدین جهت بعلت عدم پیش بینی تعقیب انتظامی قضات نظامی در قانون و نبودن دادگاه انتظامی بوی اجرای يك چنین تعقیبی راه هر گونه سوء جریان و اعمال غرض و صدور احکام بی منطق و بی اعتنائی بوظیفه اخلاقی و قانونی قضات نظامی کاملاً باز و مرتکبین از هر مسئولیتی مصون میباشند بلی در ارتش برؤسای نظامی حق اعمال تنبیه انضباطی نسبت بزیر دستانی که مرتکب تخلفات و تقصیراتی که مشمول مقررات کیفری نیست میشوند داده شده و چون یکی از تنبیهات انضباطی انفصال از شغل مربوطه است میتوان قاضی متخلف را از شغل قضاوت معاف نمود ولی اعمال این تنبیه گذشته از آنکه تأثیر اخلاقی زیادی ندارد و کافی برای جلوگیری از کارهای بیرویه نیست. چون اصولاً تنبیه انضباطی فقط از طرف بکنفر

بدون رسیدگی اعمال میشود بدین جهت اجرای آن موجب هیاهو و اعتراضاتی میشود چنانچه بعد از شهریور ۱۳۲۵ یکدفعه رئیس اداره دادرسی ارتش کارمندان یکی از دادگاههای آن اداره را بعلت صدور حکم ناقص به یک هفته بازداشت در اداره تنبیه نمود این عمل موجب هیاهو و سز و صداهای زیاد و اعتراضات شدیدی از طرف جرائد گردید به طوری که پس از چندی رئیس اداره دادرسی که کارمندان خود را تنبیه انضباطی نموده بود از شغل خود معزول شد، اعتراضات وارده باو هم بیمورد نبود. زیرا قضاوت در مورد عمل کارمندان دادگاه و اعمال تنبیه انضباطی نسبت بانها توسط شخص خود او بدون مراجعه بهیشت نظارت یا مشورت با قضات دیگری انجام شده بود و چون خودش شخصاً اطلاعات قضائی کافی نداشت ایراداتی که بدادگاه نموده بود از نظر قانونی چندان وارد و بجا نبود بدین جهت رؤسای بعدی اداره دادرسی ارتش دیگر متوسل به این وسیله هم برای جلوگیری از سوء جریانات نشدند فقط بدادن بعضی تذکرات قناعت میکردند ولی آنها هم مواجهه با اعتراضات شدید بعنوان اینکه در آراء و نظریات قضات نیابستی اعمال نفوذ نموده، گردید ناچار رؤسای اداره دادرسی ارتش برای کوتاه کردن دست قضات نادرست و یا بی اطلاع متوسل به تقاضای تغییر شغل کارمند قضائی و انتقال او بقسمت دیگر یا انتظار خدمت او شدند ولی این اقدام هم گذشته از اینکه کافی نیست چون بدون رسیدگی و ارجاع امر به یک هیئت مخصوص صورت میگیرد اغلب مصون از نظریات خصوصی و شخصی نیست و گاهی صرفاً روی مسموعات و یا اغراض شخصی و احتمالاً گاهی هم روی نظریات سیداسی بوده و باعث میشود اشخاص یا کدامن و بی گناه هم در جزء اشخاص نادرست از شغل خود معزول شوند.

تنها وسیله نظارتی که بر رئیس اداره دادرسی ارتش داده شده بموجب قانونی است که بنام متمم قانون دادرسی کیفری ارتش مصوب اول بهمن ماه ۱۳۱۹ مرکب از هفت ماده از تصویب کمیسیون قوانین دادگستری دوره دوازدهم مجلس شورایی گذشته است که فقط چهار ماده آخر آن مربوط بنظارت در جریان دادرسی است و آنها هم بقدری گنگ و غیر صریح و ناقص و غیر کافی برای انجام منظور است که تاکنون ممکن نشده است بهیچ وجه استفاده عملی از آن نمود.